ذره‌بین

استان الحدیده یمن در آستانه آزادی کامل

پس از گزارش رسانه‌ها درباره عقب‌نشینی نیروهای ائتلاف سعودی ـ اماراتی از غرب یمن، منابع یمنی خبر دادند ارتش یمن فقط یک گام با آزادسازی کامل استان الحدیده فاصله دارد.

بر اساس گزارش‌ها، ارتش و کمیته‌های مردمی یمن توانسته‌اند تمام مناطق استان الحدیده (غرب یمن) را به جز یک منطقه پاکسازی کنند. این منابع در گفت‌وگو با شبکه المیادین در این خصوص خبر دادند که فقط منطقه الخوخه در استان الحدیده پاکسازی نشده که این منطقه نیز در آستانه آزادی است. منابع یمنی، شامگاه پنجشنبه خبر داده بودند نیروهای ائتلاف سعودی ـ اماراتی در اقدامی ناگهانی از ده‌ها موضع خود در جنوب و شرق استان الحدیده (غرب یمن) خارج شده‌اند.

منابع یمنی با اشاره به این‌که نیروهای ائتلاف پس از خروج از الحدیده، به سمت شهر المخا، در غرب استان تعز حرکت کرده‌اند، احتمال دادند هدف از این عقب‌نشینی ناگهانی، کمک به نیروهای دولت مستعفی یمن و حزب اخوانی الاصلاح در مأرب باشد.

المیادین به نقل از منابع یمنی خبر داد عقب‌نشینی ائتلاف سعودی از سواحل غربی در پی نگرانی آمریکا و امارات از تحولات مأرب صورت گرفته است.

این منابع در این خصوص گفتند: «ائتلاف پس از آن‌که دانست آزادسازی ساحل غربی یک استراتژی پس از آزادسازی مأرب است، عقب‌نشینی کرد.»

در ادامه این گزارش آمده است، نیروهای ائتلاف سعودی پیش از متحمل شدن شکستی سخت، هم‌اکنون در حال ساماندهی اوضاع خود در جنوب یمن هستند.

منابع یمنی اضافه کردند ائتلاف سعودی تمام نیروهای خود را از جمله نیروهای طارق صالح (از افراد وابسته به متحدان امارات) و «اولویه العمالقه» (تیپ‌های غول پیکران) از سواحل غربی یمن خارج کرده و آنها را به سمت عدن (جنوب) یمن برده است.

بر اساس این گزارش، در پی خروج نیروهای ائتلاف، ارتش و کمیته‌های مردمی یمن ۷۰۰ کیلومتر در ساحل غربی یمن پیشروی داشته‌اند. این گزارش در حالی منتشر شده که رسانه‌های یمنی خبر می‌دهند پس از پیشروی چشمگیر ارتش و کمیته‌های مردمی یمن در استان مأرب، شمارش معکوس برای آزادسازی این استان آغاز شده است.

دولت مستعفی یمن به ریاست عبد ربه منصور هادی در واکنش به آزادسازی حدیده اعلام کرد، عقب‌نشینی نیروهای ائتلاف سعودی از الحدیده بدون هماهنگی و ائتلاف دولت مستعفی صورت گرفته است.

بر اساس گزارش آناتولی، در بیانیه تیم دولت مستعفی یمن در کمیته هماهنگی ویژه بازاستقرار که به موجب توافق استکهلم تشکیل شده، آمده، اقدامات مربوط به بازاستقرار باید با هماهنگی و توافق با تیم سازمان ملل در الحدیده انجام شود.

ایجاد تغییرات ساختاری در موساد

در پی انتشار خبر استعفای شماری از مقامات بلندپایه در سازمان جاسوسی موساد رژیم صهیونیستی، منابع رسانه‌ای این رژیم از تغییرات ساختاری در موساد و متمرکز شدن بر بخش‌های عملیات و فناوری خبر دادند و گفتند دلیل استعفای جمعی از مقامات این سازمان، اعتراض به این امر است.

رسانه‌های صهیونیستی، دو روز پیش اعلام کردند سه افسر رده بالای موساد مسؤول بخش جذب نیرو و مزدور، بخش فناوری و بخش موسوم به مبارزه با تروریسم موساد در واکنش به تصمیمات دیوید بارنیا، رئیس جدید موساد استعفا کردند.

برخی منابع رسانه‌ای نیز اعلام کردند قرار است، شمار دیگری از مقامات این دستگاه جاسوسی طی روزهای آینده در اعتراض به تغییرات و تعطیلی برخی بخش‌های موساد و باز شدن بخش‌های جدید و تقویت برخی دیگر از بخش‌ها استعفا کنند. ایتامار آیچنر، خبرنگار بخش سیاسی وبگاه وای نت، طی گزارشی نوشت: رئیس موساد قصد دارد کار این دستگاه جاسوسی بر دو حوزه متمرکز شود؛ فناوری و عملیات. بارنیا احساس می‌کند «موساد در هر چیزی که به فناوری مربوط می‌شود در مقایسه با سایر دستگاه‌های اطلاعاتی جهان عقب است.»

دستگیری عوامل انفجار روز جمعه در ننگرهار



طالبان اعلام کرد سه نفر از عاملان انفجار روز جمعه بر نمازگزاران در مسجدی در شهرستان سپین‌غر ولایت ننگرهار، دستگیر شده‌اند. ذبیح‌ا... مجاهد، سخنگوی مرکزی طالبان در حساب توییتری خود نوشت با متهمان این حمله مطابق با شریعت اسلامی برخورد می‌شود. روز جمعه، انفجاری در یک مسجد در شهرستان سپین‌غر ولایت ننگرهار سبب کشته شدن سه نفر و زخمی شدن حداقل ۱۵ نفر دیگر شد. / باشگاه خبرنگاران جوان

ادامه جنگ نفتی آمریکا علیه ایران

جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا در قالب یادداشتی به وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد به اندازه کافی عرضه نفت وجود دارد و بنابراین دیگر کشورها می‌توانند خرید نفت از ایران را کاهش دهند. طبق این گزارش، کاخ سفید ملزم است هر شش ماه یک بار تأیید کند عرضه کافی نفت در جهان به منظور حفظ تحریم‌ها علیه ایران که در سال ۲۰۱۲ و در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما تحمیل شده، وجود دارد. / رویترز



وزیر خارجه امارات هفته گذشته با سفر به دمشق با رئیس جمهور سوریه دیدار کرد

عکس: سانا

چرا کشورهای عربی حامی گروه‌های تروریستی و مخالف حکومت سوریه به ایجاد روابط رسمی و دیپلماتیک با دمشق اشتیاق پیدا کرده‌اند؟

بازگشت به شام

حنیف غفاری
بین‌الملل

اخیرا عبدا... بن زاید وزیر خارجه امارات در راس هیاتی در سفر به دمشق با بشار اسد، رئیس جمهور سوریه دیدار و در حاشیه این دیدار دعوتنامه محمد بن زاید ولیعهد ابوظبی را برای سفر اسد به امارات تقدیم وی کرد. این هیات اماراتی اولین هیات عالی رتبه دیپلماتیک این کشور است که پس از بیش از ۱۰ سال یعنی در دوران بحران سوریه به دمشق سفر کرده است. در این دیدار روابط دوجانبه، توسعه همکاری‌های دوجانبه در زمینه‌های مختلف و مشترک، افزایش تلاش‌ها برای کشف افق‌های جدید این همکاری‌ها به ویژه در بخش‌های مهم به منظور افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اخبار رسمی و غیر رسمی نشان می‌دهد که دیگر کشورهای عربی منطقه نیز پس از ده سال تقابل با حکومت بشار اسد در سوریه، اشتیاق زیادی برای عادی سازی روابط خود و دمشق پیدا کرده‌اند. اما دلیل این اشتیاق یا تعجیل چیست؟

انتخاب هوشمندانه با انتخاب اجباری؟

در سال ۲۰۱۱ میلادی و پس از ایجاد بحران داخلی در سوریه، مقامات دولت وقت آمریکا (دولت اوباما) از کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و حتی برخی کشورهای غیرعربی مانند ترکیه خواستند تا در تشکیل منظومه تروریسم تکفیری در منطقه شامات با واشنگتن و تل‌آویو همکاری مستمر و عمیقی داشته باشند. محصول این همکاری مشترک، تشکیل گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق و هدایت کردن آنها به این منطقه بود. مطابق محاسبات صورت گرفته از سوی واشنگتن و متحدان منطقه ای و فرامنطقه ای آن، قرار بود داعش در عرض شش ماه حکومت سوریه و عراق را سرنگون کرده و زمینهای سوخته (دمشق و بغداد) را تحویل آمریکا و همراهانش دهد. با همه این اوصاف، مقاومت همه جانبه محور مقاومت، محاسبات غرب، رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی حامی تروریسم تکفیری را بر هم زد. در نهایت، نه تنها خلافت داعش در عراق و سوریه سرنگون شد، بلکه بازیگرانی مانند ریاض و ابوظبی و آنکارا با عواقب و تبعات ناشی عدم مدیریت پذیر بودن داعش شکست خورده رو به رو شدند.

در چنین شرایطی تنها سناریوی سیاسی- امنیتی پیش روی ابوظبی و ریاض، بازگشت به دمشق و بازتعریف همکاری ها با حکومت سوریه است. اصرار عربستان سعودی و امارات متحده عربی بر استمرار همان بازی شکست خورده ده ساله در سوریه، صرفا هزینه های شکست حامیان منطقه ای تروریسم تکفیری را به صورت تصاعدی افزایش خواهد داد. نکته‌ای که به نظر می‌رسد اماراتی‌ها و دیگران آن را درک کرده‌اند. اکنون فرضیه‌ای به نام سقوط حکومت سوریه در محاسبات دستگاه‌های سیاسی و امنیتی کشورهای منطقه ابطال شده و همین مساله، آنها را به سوی تنها راهکار باقی مانده، یعنی شناسایی دوباره حکومت سوریه و ایجاد ارتباط با آن سوق می‌دهد. بنابراین، اقدام اخیر اعراب (کشورهای عربی مخالف حکومت سوریه) در عادی‌سازی روابط با دمشق، از جنس یک انتخاب هوشمندانه نیست، بلکه از جنس انتخابی اجباری و واقع‌گرایانه است. انتخاب هوشمندانه، انتخابی است که در آن بازیگر میان گزاره‌ها و فرضیات متعدد تصمیم نهایی خود را اتخاذ کند، نه از سر اجبار و پس از رسیدن به نقطه شکست.

اکنون فرضیه‌ای به نام سقوط حکومت سوریه در محاسبات دستگاه‌های سیاسی و امنیتی کشورهای منطقه ابطال شده و همین مساله، آنها را به سوی تنها راهکار باقی مانده، یعنی شناسایی دوباره حکومت سوریه و ایجاد ارتباط با آن سوق می‌دهد

مذاکرات تهران-دمشق



ایجاد مناسبات قوی، محکم و پایدار میان ایران و سوریه، فاکتور دیگری است که منجر به تعجیل کشورهای عربی جهت عادی سازی روابط با دمشق گردیده و ذهن استراتژیست‌ها و سران سیاسی کشورهای منطقه را نسبت به خود مشغول ساخته است. مطابق یک فرضیه، برخی کشورها همچون امارات با تقویت بستر عربی بودن سوریه تلاش دارند مانع نزدیکی هرچه بیشتر سوریه به ایران شوند، با توجه به این موضوع که سوریه در حال حاضر وارد فاز بازسازی شده و برای تحقق این موضوع و جلب کمک نیازمند کسب مشروعیت بیشتر در اتحادیه عرب و کشورهای عضو این اتحادیه است. اما ماجرا صرفا از این منظر قابل رصد نیست! برخی کشورهای منطقه معتقدند که با توجه به ارتباطات قوی و محکمی که میان تهران و دمشق وجود دارد، آنها می‌توانند از ظرفیت سوریه جهت افزایش و تعمیق همکاری‌های غیرمستقیم و مستقیم با ایران استفاده کنند.

از سوی دیگر، برگزاری مذاکرات تهران-ریاض، مولفه تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتار کشورهای عربی منطقه در قبال سوریه محسوب می‌شود. برخی کشورهای عربی نگران هستند که در پروسه حل برخی اختلافات منطقه‌ای میان دو بازیگر (ایران و عربستان سعودی)، آنها فرصت و قدرت مانور لازم برای عادی‌سازی هر چه سریع‌تر مناسبات خود با سوریه را از دست بدهند و به بازیگرانی متاخر در این پروسه تبدیل شوند. فراتر از آن، به دلیل افول قدرت منطقه‌ای عربستان سعودی که نقطه اوج آن را می‌توان در ناکامی در سوریه و شکست در جنگ یمن جست‌وجو کرد، شرکای منطقه‌ای ریاض تصمیم گرفته‌اند ورود صریح‌تر و مستقل‌تری به بسیاری از پرونده‌های منطقه (از جمله همکاری با دمشق) داشته باشند.

دغدغه سرمایه‌گذاری اعراب در سوریه

شاید این تصور مطرح شود که دلیل اشتیاق کشورهای عربی در خصوص سرمایه‌گذاری در سوریه، یعنی کشوری که خود آنها در ویرانسازی و ایجاد بحران‌های زیرساختی در آن متهم هستند چیست؟ در حال حاضر سوریه بعد از یک بحران ۱۰ ساله وارد مرحله بازسازی شده و برای بازسازی نیازمند کمک‌های بین‌المللی است. کشوری چون امارات با توجه به حجم صندوق سرمایه‌گذاری خود و داشتن شهروندانی سرمایه‌گذار و توانمند از نظر مالی می‌خواهد از فضای موجود در سوریه برای سرمایه‌گذاری استفاده کند و زودتر از کشورهایی همچون قطر و ترکیه بخشی از پروژه‌های بازسازی سوریه را براساس منافع اقتصادی‌اش به دست آورد. به عبارت بهتر، کشورهای ایجاد کننده بحران در سوریه قصد دارند از توان خود در بخش سرمایه‌گذاری، به مثابه فاکتور و مولفه‌ای جهت اثبات عادی‌سازی روابط خود با دمشق و حتی جبران وقایع سال‌های گذشته و اخیر استفاده کنند. بنابراین، میان رویکرد سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه در قبال سوریه و تحولات آن، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد که نمی‌توان آن را نادیده انگاشت.

انگیزه‌های دوجانبه

در این میان، برخی انگیزه‌های دوجانبه نیز در میان کشورهای منطقه (جهت عادی سازی روابط با سوریه) وجود دارد. به عنوان مثال، امارات متحده عربی و سوریه هر دو طی سال‌های طولانی دارای تعارض جدی با گروه‌هایی شبیه اخوان‌المسلمین بوده‌اند، هر چند امارات با سکوت و حتی حمایت پشت پرده از اخوانی‌های مخالف حکومت سوریه در جریان تحولات اخیر اشتباه بزرگی را مرتکب شده است اما اکنون قصد دارد از این نقطه اشتراک (تعارض با اخوانی‌ها) با دولت سوریه استفاده کند تا با کمک به نظام فعلی سیاسی سوریه مانع به قدرت رسیدن گروه‌های اخوانی از نوع مسلح یا خشونت‌آمیز در این منطقه شود. برخی کشورهای دیگر مانند ترکیه به دلیل همسایگی با سوریه و برخی دیگر مانند اردن به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک سوریه، قصد دارند از ظرفیت‌های هم‌افزایی مجدد با دمشق استفاده کنند.

بازنده بزرگ تحولات سوریه



بدون شک اتحادیه عرب، یکی از اصلی‌ترین بازنده‌های تحولات سال‌های گذشته و اخیر در سوریه محسوب می‌شود. امارات در زمره مهم‌ترین کشورهایی بود که با حمایت از ایجاد بحران و چالش در سوریه، زمینه را برای خروج این کشور از اتحادیه عرب با همکاری تعدادی دیگر از کشورهای عربی فراهم کرد. برخی کشورهای عربی تلاش دارند با توجه به مولفه‌های هویتی خود و همچنین تثبیت نظام سیاسی سوریه، هرچه بیشتر به این کشور و دولت مستقر در آن نزدیک شوند. به عبارت بهتر، اتحادیه عرب بیش از این قصد ندارد اعتبار ده ساله از دست رفته خود در سوریه را معطل احتمال سنجی‌های کاذب در آینده کند! از سال ۲۰۱۱ تاکنون، اتحادیه عرب نه تنها به کانونی جهت حل بحران در سوریه و کاهش تنش‌های ناشی از حضور داعش و جبهه‌النصره و دیگر گروه‌های تروریستی دراین کشور تبدیل نشد، بلکه به مهم‌ترین کانون توطئه‌های منطقه‌ای جهت براندازی حکومت بشار اسد مبدل گردید. اما در حال حاضر، اتحادیه عرب نیز عمر بحرانسازی خود در تقابل با حکومت سوریه را رو به اتمام می بیند.

هشدار آمریکا

نکته مهم در این پروسه، به هشدارهای صریح واشنگتن به کشورهای عربی منطقه در خصوص همکاری با دمشق باز می‌گردد. اخیرا یک مقام وزارت خارجه آمریکا به کشورهای عربی نسبت به عادی‌سازی روابط با حکومت سوریه هشدار داده است. جوی هود، دستیار وزارت امور خارجه ایالات متحده در پاسخ به پرسشی در خصوص اقدام احتمالی برخی از کشورهای عرب متحد آمریکا برای عادی‌سازی روابط با حکومت بشار اسد اظهار داشت: من در خصوص این مساله (عادی‌سازی روابط با سوریه) به کشورهای عربی هشدار می‌دهم. البته باید اضافه کنم که ما قانون تحریم‌های سزار را داریم؛ قانونی که از پشتیبانی گسترده از سوی هر دو حزب در کنگره برخوردار است و دولت بایدن نیز آن را دنبال می‌کند. بنابراین، کشورها و بنگاه‌های تجاری باید خیلی مراقب باشند که هرگونه تراکنش احتمالی، آنها را در معرض تحریم‌های ایالات متحده قرار ندهد.

بازی خاص ریاض

یک چهره ارشد مخالف دولت سوریه که به وزارت خارجه عربستان و وزارت اطلاعات این کشور نزدیک است، به الجزیره گفته است: «تفکر سیاسی آل سعود تغییر کرده و بسیاری از مقام‌های ارشد خاندان سلطنتی از جمله محمد بن سلمان، ولیعهد، بدنبال برقراری دوباره رابطه با بشار اسد هستند.»

این مقام سوری، نگرش جدید در میان مقام‌های بلندپایه سعودی را چنین توضیح داده که آنها به این نتیجه رسیده‌اند که «زمان تغییر کرده است، بهار عربی به تاریخ پیوسته و منطقه با ویژگی‌های تازه ژئوپلیتیک به سوی آینده تازه‌ای در حال حرکت است.» این خبر پس از آن منتشر می‌شود که اوایل ماه مه میلادی، خبرهای تائیدنشده‌ای مبنی بر اعزام یک هیات بلندپایه امنیتی سعودی به سوریه برای بررسی امکان مذاکرات بر سر تنش‌زدایی میان دو کشور منتشر شد. در هر حال، عربستان سعودی نیز پس از شکست در یک تقابل و منازعه ده ساله با حکومت و ملت سوریه، اکنون چاره‌ای جز برقراری روابط دیپلماتیک و اقتصادی با دمشق ندیده است.

نتیجه بازی از ابتدا مشخص بود



ریچارد فالک، تحلیلگر آمریکایی و استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه پرینستون در خصوص رویکرد کشورهای عربی در عادی سازی روابط با دمشق به جام جم می‌گوید: از ابتدا (سال ۲۰۱۱) نتیجه بازی اعراب در تقویت گروه‌های تروریستی در سوریه کاملا مشخص بود. اکنون حکومت سوریه قدرت را در دست گرفته و داعش نیز در این کشور سرنگون شده است. بسیاری از مناطقی که قبلا در کنترل ارتش و حکومت سوریه نبود نیز به دست آنها و هم پیمانان منطقه‌ای دمشق آزاد شده‌اند. در چنین شرایطی کشورهای عربی تصمیم گرفته‌اند بار دیگر به عادی‌سازی روابط با سوریه روی بیاورند.

گزارشگر ویژه سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد در ادامه تاکید کرده است: بدون شک آنچه در سوریه و خصوصا در بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ (زمان سرنگونی خلافت داعش توسط جبهه مقاومت) رخ داده است، تلخ و به لحاظ حقوقی قابل استناد و محکومیت خواهد بود. بسیاری از شهروندان سوری بر اثر تحرکات گروه‌های تروریستی جان خود را از دست دادند و بسیاری از تاسیسات و زیرساخت‌های این کشور نابود شد.